

بسم الله الرحمن الرحيم

آزادی، علم، و عمل در قرآن

قبل از اینکه مطالب مورد نظر را در سایه نصوص و آیات قرآنی عرضه کنیم، به مخاطبان قرآن نگاهی میاندازیم، تا اینکه این اصل واضحتر گردد که قرآن هر چیزش عادلانه و در جای خودش است. و هنگامی که قرآن از انسانها و جوامع مختلف تکلیفاتی میخواهد، لیاقتهای آنها را هم مد نظر قرار میدهد. اینست که قبل از پرداختن به مطالب و خواستههای قرآنی و توحیدی، لازم است مخاطبان الله و قرآن را بشناسیم:

كَذَلِكَ نَفَصَلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ، يَعْلَمُونَ، يُؤْمِنُونَ، يُوقِنُونَ، يَفْقَهُونَ، يَتَذَكَّرُونَ، يَشْكُرُونَ، يَتَّقُونَ، يَتَفَكَّرُونَ، يَسْمَعُونَ: اینچنین نشانه‌ها و قوانین خود را برای اهل عقل (که عاقل هستند و میتوانند تعقل کنند) و اهل علم (که عالماند و میتوانند به علم و قوانین علمی دست یابند) و اهل ایمان (که توانایی دستیابی به ایمان و آرامش را دارند) و اهل یقین (که توانایی رسیدن به ثبات وطمئینه را دارند) و اهل درک و فهم (که میتوانند عمق قضایا را درک و فهم کنند) و اهل بیدارشدن (که توانایی بیدار شدن را دارند و نصیحت پذیر هستند) و اهل شکر (که توان شکر گذاری دارند و خدمتها را درک و هدایت شدن را نعمت میدانند) و اهل انضباط دینی (که توان انضباط دینی دارند و حافظ نفس خود هستند) و اهل فکر و اندیشه (که دارای فکر و اندیشه اند و میتوانند اندیشه و تفکر کنند) و اهل شنیدن (که توان شنیدن حقایق و واقعیات را دارند) تفصیل و تشریح میکنیم.

آیات کثیر و متعدد در قرآن کریم، بعد از بیان قوانین توحیدی، به این کلمات، ختم میشوند، کلماتی که آیات قرآن خطاب به کسانی که این صفات را در خود دارند و یا میتوانند دارا باشند نازل شده اند. و همه اینها هنگامی وجود دارند یا میتوانند بوجود بیایند که انسان و جامعه، فاسد و غیر انسانی نشده باشد و خصایل انسانی و ویژگیهای مجتمع بشری در آنها محفوظ مانده باشد، و در وجدان و روح و فطرت آدمی، نور و روشنایی باقی باشد، و ماهیت بشری از مسخ شدگی اصولی محفوظ شده باشد. و حساس کردن و بیدارسازی

روح و وجدان انسانی، و شعله ورسازی عقل و تفکر بشری، و ایجاد انگیزه در انسان برای کسب علم و فهم جهان و زندگی، و التزام و پایبندی بشر به تعهدات و به باور و اعتقادی که پیدا میکند، و باز کردن و باز بودن راه رشد و تکامل و انتخاب، روح آیات قرآن را تشکیل میدهد، و منظور از «هدایت قرآنی» و «اخذ وحی ربانی» همین است.

آزاد منشی و آزادیخواهی قرآن

۱- لا اِکْرَاهَ فِی الدِّینِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ: در قبول و پذیرش دین (اسلام) اِکْرَاهَ و اجباری وجود ندارد، چون راه رشد و تکامل (توحید) از گمراهی و سرگردانی کاملاً جدا و متفاوت است، و بوسیله تبلیغ و روشنگری مبین و عملکرد توحیدی، از آن مشخص شده است. بقره: آیه ۲۵۶

۲- وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعاً أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّى يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ: اگر الله میخواست و اراده و قانون او بر آن قرار میگرفت، همه آنها را که بر روی زمین هستند، حتماً ایمان می آوردند (ولی اراده و قانون الله بر آزادی و انتخاب ایمان و عقیده قرار گرفته است). پس آیا شما میخواهید مردم را وادار و مجبورسازی که ایمان بیاورند و بنابر جبر و اِکْرَاهَ در خط اسلام قرار گیرند؟ (کاری که الله نکرده و او ایمان و عقیده را به اختیار و انتخاب سپرده است). یونس: آیه ۹۹

۳- اَنَا هَدَيْتَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا: ما انسان را هدایت و راهنمایی کردیم و برایش کتاب و پیامبر فرستادیم. و من بعد، این خود انسان است که میتواند شکرگذار و ایماندار گردد و یا اینکه راه کافری و انکار در پیش گیرد. انسان: آیه ۳

۴- قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ..... لَكُمْ دِينَكُمْ وَلِي دِينٍ: بگو ای کافران منکر و قسی القلب، عبادت و اطاعت نمیکنم آنچه را که شما عبادت و اطاعت میکنید، و شما هم عبادت و اطاعت نمیکنید آنکه را که من عبادت و اطاعت میکنم. راه و عقیده شما (شرک) برای خودتان و راه و عقیده من (توحید) برای خودم. کافرون: آیات ۱ و ۲ و ۳ و ۶

روش علمی (واقع بینی) و علم خواهی قرآن

